

# بررسی توسعه‌یافتگی اقتصادی مناطق مرزی با رویکرد امنیتی (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)

هادی نوری<sup>۱</sup>، وحید نصیری مقدم<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

صفحات از ۱ تا ۲۳

## چکیده

توسعه‌یافتگی اقتصادی و امنیت دو مؤلفه بسیار مهم در راستای ارتقاء سطح کیفی و رفاه مطلوب جوامع انسانی است. امنیت مرزها و مناطق مرزی به علت واقع‌شدن در حاشیه کشورها از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشند و به‌نوعی امنیت کشور و امنیت ملی از امنیت مرزها نشأت می‌گیرد. یکی از عوامل مؤثری که رابطه مستقیم با امنیت مرزی دارد میزان توسعه اقتصادی مناطق مرزی است. هدف پژوهش حاضر بررسی توسعه‌یافتگی اقتصادی مناطق مرزی با رویکرد امنیتی در استان سیستان و بلوچستان است. پژوهش حاضر، به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و از جنبه ماهیت و هدف از نوع تحقیقات کاربردی است. در تحقیق حاضر، از روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عدم توسعه اقتصادی و تبعیض در توزیع نابرابر فرصت‌ها، سرمایه‌ها بین این استان و مناطق مرکزی نقش بسیار پررنگی دارد و این امر امنیت این منطقه را به چالش کشیده است. هرچند تلاش‌هایی در راستای توسعه اقتصادی و ارتقاء این استان صورت گرفته است، ولیکن کافی نبوده و بیشتر در پی رفع نیازهای ضروری آن صورت گرفته است. لذا استفاده بهینه از ظرفیت مرزی بودن این استان در ایجاد روابط مناسب اقتصادی با کشورهای پاکستان و افغانستان و استفاده از این منطقه به‌صورت پل ارتباطی با سایر نقاط ایران، محرومیت‌زدایی و گسترش فرهنگ توسعه اقتصادی در سطح استان سیستان و بلوچستان، پرهیز از نگرش امنیتی نسبت به آن، افزایش مشارکت مردم سیستان و بلوچستان در تعیین سرنوشت خود و هویت بخشی به مردم این استان، می‌تواند از راه‌کارهای مؤثر در پیشبرد توسعه اقتصادی در این استان نام برد؛ و زمینه افزایش امنیت را در این استان فراهم نمود.

واژگان کلیدی: قاچاق، قاچاق سوخت، سیستان و بلوچستان

---

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار

## مقدمه

آشنایی با جهانی که در آن زندگی می‌کنیم و شناخت استعدادها و مشکلات و راه‌های برون‌رفت از آن‌ها بر همه مردم بخصوص برای دانش‌آموختگان جغرافیای سیاسی ضروری است و هدف کلی از این شناخت ایجاد راهکارهای مناسب، علمی و تقویت استعدادها برای رفاه و آسایش هرچه بیشتر انسان‌هاست و این رفاه و آسایش درگرو توسعه و امنیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فراهم می‌گردد و در حقیقت توسعه، امنیت و رفاه سه ضلع مثلث آرزوها و توقعات انسان‌ها را تشکیل می‌دهد و از گذشته‌های دور همیشه انسان‌ها و گروه‌های مختلف و در جای‌جای این کره خاکی به دنبال رسیدن به رفاه و آرامش بوده‌اند و برای دستیابی به آن به کارهای سخت و بعضاً عجیب دست‌زده‌اند.

امنیت یکی از مهم‌ترین متغیرهای جغرافیای سیاسی است که دارای ابعاد و موضوعات بسیار پیچیده‌ای است و به لحاظ سیاست و حرکت، در هر منطقه و در هر برهه زمانی برداشت‌های متفاوتی را منجر می‌شود چراکه دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فوق‌العاده‌ای است. (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۸).

تأثیرپذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، سیاست، جمعیت و عوامل مختلف محیطی و جغرافیایی و تأثیرگذاری آن به معنای واقعی بر همه شاخصه‌های توسعه و حیات انسانی و واحدهای سیاسی به آن نقش بنیادین و ارزنده‌ای داده است و انجام فعالیت‌های مختلف بدون در نظر گرفتن آن غیرممکن است. کسانی‌که به رفاه و آسایش می‌اندیشند امنیت را عامل اساسی در این زمینه می‌دانند و آنان که بر توسعه سیاسی و اقتصادی تأکید دارند نیز امنیت را عامل و نیز حاصل آن می‌دانند. امنیت پیش‌شرط توسعه پایدار است و توسعه ضریب امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... را افزایش می‌دهد. (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۵۴).

غایت و هدف نهایی یک قدرت، تأمین امنیت کشور و تأمین آسایش مردم آن است. در دنیای امروز مفهوم امنیت بسیار گسترده و ایجاد امنیت فراگیر و همه‌جانبه درگرو فراهم نمودن عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انتظامی است. در این میان از نظر امنیت مرزها و مناطق مرزی به علت واقع شدن در حاشیه کشورها از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشند و به نوعی امنیت کشور و امنیت ملی از امنیت آنجا نشات می‌گیرد و آرامش‌های مرزی می‌تواند آرامش در کل کشور را به ارمغان بیاورد و در مقابل کشمکش‌ها، مناقشات و بحران‌های مرزی و مناطق مرزی بر روی کل کشور تأثیرات منفی می‌گذارد. یکی از عوامل مؤثری که رابطه‌ای مستقیم با امنیت مرزی دارد میزان توسعه‌یافتگی مناطق مرزی است و این رابطه از ضریب همبستگی بسیار بالایی برخوردار

است به طوری که هر مقدار امنیت در این مناطق بیشتر باشد میزان آرامش و اطمینان بیشتر می‌شود و به تبع آن میزان سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی افزایش یافته و مشارکت مردمی و نهادسازی به سمت پیشرفت و بالندگی حرکت می‌کند و در نتیجه منجر به رفاه و آسایش می‌گردد و بلعکس، نبود امنیت توسعه این مناطق را به چالش کشیده و درگیری و مناقشه را افزایش می‌دهد و رفاه و آسایش این مناطق را کاهش می‌دهد. (زمانی، ۱۳۹۴: ۲۰).

از زاویه‌ای دیگر میزان توسعه و توسعه‌یافتگی نیز می‌تواند باعث افزایش امنیت و آرامش در این مناطق گردد، چرا که توسعه باعث افزایش سرمایه‌گذاری، مشارکت مردمی، نهادسازی، درآمد سرانه بالا، اشتغال، بهبود شرایط بهداشتی - آموزشی و... می‌گردد و مردم در این مناطق در پی حفظ این موقعیت و شرایط مطلوب سعی در حفظ امنیت و آرامش و جلوگیری از اغتشاش و بحران در این نواحی می‌نمایند و به صورت خودجوش و در جهت تأمین رفاه خود اقدام به مقابله با عوامل بحران‌زا می‌کنند. (احمدی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۶۵).

استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق بسیار مهم مرزی ایران است که هم‌مرز با کشورهای افغانستان و پاکستان است، که وجود قومیت‌ها و فرهنگ مشابه، رفت‌وآمد میان این استان و آن سوی مرز افغانستان و پاکستان را افزایش داده است و باعث ایجاد رفت‌وآمدهای مرزی بین دو کشور که اکثراً غیرقانونی می‌باشند شده است و در صورتی که توسعه‌یافتگی در یک سمت از دو طرف مرز بیشتر باشد، تمایل و حرکت مرزنشینان کشور مقابل به آن سو افزایش می‌یابد و هم‌گرایی آن‌ها را نسبت به مرکز کشور خود به چالش کشیده و تضعیف می‌کند و امنیت مرزی را کاهش می‌دهد و چون خود را ملزم به رعایت قانون نمی‌دانند، سطح همکاری و تعهد کاهش یافته و باعث بروز بحران، تنش و ناامنی در مناطق مرزی می‌شوند و علاوه بر ناامنی هزینه‌های دولت مرکزی را به شدت افزایش می‌دهند. (هندیانی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

حال سؤال این است آیا نوع سیاست‌گذاری‌های ایران در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی در استان سیستان و بلوچستان مناسب بوده و در راستای تأمین امنیت مرزی و هم‌گرایی مرزنشینان با حکومت مرکزی حرکت نموده است و چگونه باید این استان را در مسیر توسعه قرارداد و امنیت مرزهای آن را افزایش داد؟ امروزه امنیت و تهدیدات ضد امنیتی دستخوش تحول مفهومی شده است؛ و راهبردهای امنیتی از شکل سنتی و سخت‌افزاری آن خارج شده و ابعاد نرم‌افزاری به خود گرفته است و کشورهای دشمن با ایجاد هجوم‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی

... سعی در مختل نمودن جامعه و رودررو قراردادن مردم داخل کشورها را دارند که این امر در کشورهای جهان سوم به شدت مشاهده می‌شود؛ و امنیت را در ابعاد مختلف یک واحد سیاسی به چالش می‌کشند. (بوزان، ۱۳۹۷: ۱۶)

همین ناامنی باعث کاهش سرمایه‌گذاری و کند شدن روند توسعه می‌شود. این عدم توسعه محرک افزایش نارضایتی و افزایش فشارهای مختلف بر جامعه می‌شود که خود یکی از علل افزایش و گسترش ناامنی است. این امر در مرزها از شدت بیشتری برخوردار است چراکه علاوه بر مشکلات داخلی شرایط و سیاست‌های کشورهای پیرامونی در این مناطق تأثیر بسیاری دارد؛ و بحران‌های مناطق دارای عوامل داخلی و خارجی است که این ناامنی به سرعت در واحد سیاسی جاری و منعکس می‌شود. لذا مرزها از نظر تأمین امنیت واحدهای سیاسی از ارزش ممتازی برخوردار می‌باشند. لذا باید با شناخت امکانات و منابع و بررسی کمبودها و آسیب‌شناسی منطقه، زمینه توسعه‌ی آن را در ابعاد مختلف فراهم نمود تا با استفاده از خروجی‌های آن، امنیت مرز و مناطق مرزی را فراهم نمود و با ایجاد احساس مسئولیت و مشارکت مردم امنیت مطلوب را فراهم آورد. (شایگان، ۱۳۹۵: ۶۱).

از سویی برنامه‌ریزی مدون (کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت) در زمینه توسعه و امنیت مناطق مرزی وجود ندارد. هر ارگان و سازمانی با توجه به برگ خریدهای مدنظر خود و بدون در نظر گرفتن به اهداف دیگر سازمان‌ها اقدام به اعمال سیاست‌های خود می‌نماید و سازمان هماهنگ‌کننده‌ای که به معنای واقعی بتواند نقش خود را ایفا کند وجود ندارد؛ و متأسفانه تحقیقات علمی و کاربردی زیادی در این راستا صورت نگرفته است. لذا این تحقیق می‌تواند نقشی هرچند ناچیز در رابطه با توسعه اقتصادی و امنیت مناطق مرزی و به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان داشته و مورد استفاده قرار بگیرد.

### پیشینه پژوهش

صغورا حیدری در پایان‌نامه خود تحت عنوان بررسی رابطه متقابل امنیت و توسعه در مناطق مرزی مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان به این نتیجه رسید که مناطق مرزی جنوب شرق کشور یکی از بارزترین موارد نابرابری فضایی به لحاظ توسعه در کشور معرفی شده‌اند که به دلیل گسستگی فضای سرزمینی آن از بقیه کشور، تأثیرگذاری این منطقه در مقیاس کشوری بسیار کم‌رنگ گردیده و باعث شده این استان از مناطقی باشد که جزء یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور محسوب گردد. در این راستا هدف از انجام پژوهش تبیین رابطه امنیت و توسعه

شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان در جهت یافتن عواملی که تنش‌های موجود را کاهش داده و دستیابی به راهکارهایی جهت برقراری توسعه‌ی نسبی در سطح منطقه است. سعادت‌ی در پژوهش خود با عنوان بررسی نقش و کارکرد اقتصادی مرز استان خراسان رضوی با افغانستان و تأثیر آن بر امنیت مرزی استان بیان می‌دارند: تأمین امنیت مرزها همواره از اهداف کشورها بوده است. به‌طوری‌که دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران جهت نیل به این هدف مدل‌های گوناگون مدیریت مرزی را ارائه و سرمایه‌گذاری‌های کلانی جهت کنترل و امنیت مرزی نموده‌اند. مدل توسعه‌ای یکی از این الگوهای مدیریت مرزی است و در این جهت، احداث بازارچه‌های مرزی اولین گام جهت محرومیت‌زدایی از مناطق مرزی و امکان فراهم نمودن مبادله بین مرزنشینان دو کشور همسایه است. بازارچه مرزی دوغارون نمونه‌ای از این گونه مدل‌ها است. قدیمی در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل توسعه‌یافتگی مناطق مرزی با رویکرد امنیتی مطالعه موردی استان کردستان بیان می‌کند: توسعه و امنیت دو مورد بسیار مهم در راستای ارتقاء سطح کیفی و رفاه مطلوب جوامع انسانی است. این دو مؤلفه از رابطه مستقیم بسیار قدرتمندی برخوردار می‌باشند و چالش در هر کدام از آن‌ها به‌سرعت باعث عکس‌العمل دیگری می‌شود. در این امر در مناطق مرزی و حاشیه‌ای از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است و جریان آن به داخل کشور را نیز متأثر می‌کند. در ادامه استفاده از ظرفیت گردشگری و افزایش مشارکت مردم در امر گردشگری در استان کرمانشاه را به‌عنوان راهکار برای افزایش سطح توسعه اقتصادی نواحی مرزی این استان برمی‌شمارند.

اطاعت و موسوی در پژوهش خود با عنوان رابطه امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان بر اساس نتایج حاصله بیان می‌دارند: استان سیستان و بلوچستان در میان ۳۰ استان کشور در پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد و این عامل عقب‌ماندگی از دیگر استان‌ها در توسعه به همراه دیگر عوامل موجب شده که مردم این استان خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک بدانند؛ که خود شکاف توسعه‌ای و امنیتی را در این استان نسبت به استان‌های دیگر به‌شدت افزایش داده است.

## مبانی نظری

### امنیت

امنیت یک مفهوم چندوجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴). مفهوم امنیت در گذشته به حفاظت از مرز و سرزمین از تهدیدات خارجی با استفاده از قدرت نظامی مربوط می‌شد (Abatudu ۲۰۰۱)، سلطه‌گری به همراه تهدیدات غیرنظامی شامل تخریب محیط، فقر، مهاجرت‌های اقتصادی، مناقشات بر سر منابع، گسترش مواد مخدر، مباحث جدیدی در مورد معنی امنیت پدید آورد، (BasuRay & Jolly, ۲۰۰۷)، ریشه امنیت انسانی و ارتباط توسعه و امنیت را می‌توان قبل از دهه ۱۹۶۰ جستجو کرد، زمانی که دامنه حقوق در بیانیه جهانی حقوق بشر، توسعه اقتصادی را در بر گرفت. تحول بعدی در دهه ۱۹۷۰ رخ داد، زمانی که (امنیت غذایی) توسط سازمان‌های امنیت غذایی و کشاورزی بکار رفت (Hampson, ۲۰۰۲) در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، جوامع از توسعه اقتصادی با تمرکز بر تئوری مدرنیزاسیون به سوی مدل توسعه انسانی و نظریه‌های عدالت اجتماع‌محور پیش رفتند و در کمیسیون جهانی برانتلند سال ۱۹۸۷ به اوج رسید. در این گزارش فصلی به صلح، امنیت، توسعه و محیط اختصاص یافت (Donaghy, ۲۰۰۳)، در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ دیدگاه ((تأمین نیازهای اساسی)) جایگزین اقدامات کالن اقتصادی شد و زمینه تمرکز امنیت بر افراد را به‌عنوان واحد تحلیل امنیت قرارداد، (McArthur, ۲۰۰۷: ۴۸) نقطه اصلی تغییر جهت در بحث امنیت گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ بود، (Donaghy, ۲۰۰۳) و اولین بار عبارت امنیت انسانی «وارد بحث امنیت جهانی شد و به‌عنوان تضمین‌کننده» آزادی از ترس و خواستن «ابزاری مؤثر برای مقابله با ناامنی جهان مطرح شد»- (Amoako, ۲۰۱۰: ۵) (Wiafe) برنامه توسعه سازمان ملل متحد «در دستور جلسه امنیت بین‌المللی درباره انتقال» از تمرکز بر سرزمین به تمرکز بر افراد «و» از امنیت با تسلیحات به امنیت با توسعه پایدار بحث کرد (Hampson, ۲۰۰۲). که آشکارا پیوند بین امنیت و توسعه ترسیم شد و راه‌حل نظامی برای حل مشکلات امنیتی به حاشیه رفت (McArthur, ۲۰۰۷: ۴۳) به گفته برنامه توسعه سازمان ملل متحد «مفهوم امنیت تمرکز را از امنیت ملی بر امنیت فردی و مسائلی چون فقر، تروریسم، تخریب محیط به‌عنوان تهدیدات امنیتی هدایت می‌کند؛ و بر بعد آزادی از ترس و خواستن حقوق بشر اشاره دارد، (UNDP ۱۹۹۴: ۲۲) که به گفته گروه امنیت انسانی، به معنی حفاظت از نیازهای اساسی زندگی انسان‌هاست، به شیوه‌هایی که آزادی فردی و دستیابی به زندگی شرافتمندانه را

ممکن سازد؛ و به معنی حفاظت مردم از تهدیدات و توسعه دستگاه‌های سیاسی، اجتماعی، محیطی و اقتصادی است، (CHS, ۲۰۰۳) امروزه دامنه امنیت علاوه بر مسائل نظامی به ابعاد اقتصادی، غذایی، سلامتی، محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی قابل تقسیم است. امنیت رویکردهای مختلفی مانند، رویکرد توسعه‌ای، فمینیستی و زیست‌محیطی دارد. رویکرد توسعه‌ای نگاهی کلی‌نگر به امنیت دارد و امنیت انسانی را با توسعه انسانی ترکیب می‌کند، (Akokpari, ۲۰۰۷) این دیدگاه همه شاخص‌های توسعه انسانی نظیر آزادی سیاسی، فقر و نابرابری درآمد، آموزش، سلامت، موضوعات جنسیت و مسائل زیست‌محیطی تهدیدکننده رفاه بشری را ارائه می‌دهد. فرض دیدگاه بر این است که افزایش ظرفیت مردم سرانجام آن‌ها را توانا خواهد ساخت تا کیفیت زندگی‌شان را بهبود دهند (Oyoo, ۲۰۱۰: ۲۹).

### مناطق مرزی

مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدائی یک واحد سیاسی از واحدهای دیگر است، خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شود (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۱). اصولاً کالاهای قاچاق از مناطق مرزی وارد می‌شوند سپس در تمام کشور توزیع می‌شود، لذا مرزها از این لحاظ دارای اهمیت بسیار زیادی هستند. مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملت پایه را مشخص می‌کنند، مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ نیا، ۱۳۷۹). به بیان دیگر، مرز خطی است فرضی در فضا، جداکننده دو ملت، دو کشور و دو نظام حکومتی است. مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (مجتهد زاده، ۱۳۸۶). مرزهای اداری و دولتی در داخل یک کشور در جهت خدمت به نواحی مربوطه، برای خدمت‌رسانی عمومی و جمعی است (رضایی و کشور دوست، ۱۳۹۲). روی نقشه مرزها به شکل خطوطی بسیار نازکی نمایان می‌شوند، اما مرز یک خط نیست، بلکه یک صفحه یا سطح عمودی است که فضا، خاک و اعماق دولت‌های هم‌جوار را قطع می‌کند، این صفحه در سطح زمین به شکل یک خط آشکار است، چون سطح را تقسیم می‌کند و نشانه‌گذاری می‌شود (سلطانی و هاشمی، ۱۳۹۲). مرز به پدیده فضایی گفته می‌شود که بازتابنده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت است و مطابق قواعد خاص، در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار

مانع ایجاد می‌کند (دراسیول و بلیک، ۱۳۷۴). مهم‌ترین کارکرد مرزها ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است.

مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می‌روند، طبیعت منزوی و غیر حاصل خیز مناطق مرزی، بخصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی - اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی در این مناطق فراهم آورده است. از آنجائی که حفاظت از مرزهای هر کشور از اهم مسائل حکومت است، دولت‌های حاکم سیاست‌های متعددی را برای مرزنشینان اتخاذ نموده‌اند، این سیاست‌ها به‌منظور کاهش بیکاری، فقر، مفسد گوناگون اجتماعی ایجاد اشتغال، کاهش قاچاق کالا، برقراری عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه‌های مهاجرت و... بوده است (سازمان مدیریت، ۱۳۷۸).

### استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۲۰ دقیقه طول شرقی واقع گردیده که از شمال به استان خراسان و از شرق در مرزی به طول ۱۱۰۰ کیلومتر با کشورهای افغانستان و پاکستان، از مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان و از جنوب با ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی به دریای عمان محدود می‌شود. (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۵ ص ۷) مساحت کل استان ۱۸۱۷۸۵ کیلومترمربع بوده که از این نظر با ۱۱,۳ درصد از مساحت کل کشور در رتبه دوم استان‌های کشور قرار دارد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۵، ص ۱۹) خصوصیات و ویژگی‌های استان سیستان و بلوچستان را عواملی از جمله: وسعت زیاد، پراکندگی، رشد سریع و جوان بودن جمعیت، هم‌جواری و همسایگی با دو کشور معضل خیز پاکستان و افغانستان، محرومیت اقلیمی و شرایط زیستی، گسترش در عرض جغرافیایی، شیوه‌های معیشتی، محرومیت تاریخی ممتد و عقب‌ماندگی در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی، تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی مرزنشینان منطقه با اقوام کشورهای هم‌جوار، کمبود شدید زمینه‌های اشتغال سالم، وجود زمینه‌های فراوان گرایش افراد بیکار به فعالیت‌های غیرقانونی و ... را تشکیل می‌دهد. این استان از نظر طبیعی در قسمت شمال، هموار و در قسمت جنوب غلبه، ناهمواری‌ها غالب می‌باشد. حداقل ارتفاع استان از سطح دریا ۷ متر مربوط به شهرستان چابهار و حداکثر ارتفاع از سطح دریا ۱۴۰۰ کیلومتر مربوط به شهرستان خاش می‌باشد (ملک ریسی، ۱۳۸۱، ص ۵). استان



سیستان و بلوچستان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی بالغ بر ۲۷۷۵۰۱۴ نفر بوده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۵). عوامل ایجاد ناامنی در استان سیستان و بلوچستان: کشور ایران با توجه به اینکه کالبد طبیعی سرزمین آن با ارائه توانایی‌های بالقوه موضعی، حاوی اختلافات بس عمیق در زمینه بازدهی محیط است، بنابراین این اختلافات و ناهمگونی در سطوح محیطی خود موجب گسیختگی عمیقی در زمینه توزیع فضایی جمعیت و فعالیت شده و فضاهای خالی و پرتراکمی را ایجاد می‌کند. به‌ویژه اینکه، بخش وسیعی از سرزمین ایران در مناطقی قرار دارد که با توجه به خشونت طبیعت، بازده آنی، صرفه اقتصادی را برآورده نمی‌کند. علاوه بر آن تمرکزگرایی در سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی، نابرابری‌های منطقه‌ای را در کشور به دنبال داشته است؛ که از دید تئوریک، این نابرابری باعث بهره‌گیری نامتناسب از فضا، جابجایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف میان مناطق برخوردار و محروم شده است. هرچند نابرابری‌های فضایی در درجه نخست به قابلیت‌های فیزیکی و ذاتی مناطق بستگی دارد اما نظام اقتصادی، شیوه تولید و مبادله و چگونگی سرمایه‌گذاری‌ها سبب می‌شود تا از قابلیت‌های محدود نیز درست استفاده نشود (قوام ملکی، ۱۳۸۹: ۱۵۴)

در جنوب شرق ایران، مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان یکی از بارزترین موارد نابرابری فضایی را به لحاظ توسعه اقتصادی در کشور داراست که به دلیل دورافتادگی، پرت بودن، در حاشیه بودن و به‌ویژه گسستگی فضای سرزمینی آن از بقیه کشور، تأثیرگذاری این منطقه در مقیاس کشوری را بسیار کم‌رنگ کرده و باعث شده که این استان یکی از مناطقی باشد که با توجه به قابلیت‌های طبیعی‌اش و سیاست‌های اقتصادی حاکم بر کشور جزو توسعه‌نیافته‌ترین استان‌های کشور شود. این عدم توسعه در منطقه مرزی جنوب شرق و وضعیت اقتصادی و ناتوانی در تأمین مایحتاج زندگی خود از راه‌های قانونی باعث شده است که مردم این مناطق بازیچه سرمایه‌داران بزرگ قرار گرفته و اقدام به واردات کالا از طریق غیرقانونی برای این افراد بکنند و در مقابل آن دستمزد بسیار اندکی را دریافت کنند. این مسئله به همراه مسائل زیر زمینه ناامنی را در این منطقه فراهم کرده و به‌صورت‌های مختلف زندگی مردم را در این منطقه تحت شعاع قرار داده است. ۱- توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی (به‌عنوان مهم‌ترین مسئله) ۲- قاچاق کالا و مواد مخدر ۳- حضور قدرت‌های سلطه‌گر فرا منطقه‌ای و مافیاهای مواد مخدر ۴- وجود تفاوت‌های قومی و مذهبی در استان ۵- هم‌جواری با کشورهای بی‌ثبات و ناامن افغانستان و پاکستان.

## توسعه

واژه توسعه از نظر لغوی به معنی بسط یافتن، درک کردن، تکامل و پیشرفت است. گرچه این واژه از قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) برای توضیح برخی پدیده‌های اجتماعی بکار رفته است، لیکن استفاده وسیع از این واژه به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی، به بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ مربوط می‌شود. در آن موقع، این واژه مترادف با نوسازی، رشد، صنعتی شدن و برای تعبیرات و اصطلاحات مشابه به کار می‌رفت. توسعه در یک تعریف دیگر به معنی خروج از لفافه است. لفافه از دیدگاه صاحب‌نظران نسل اول توسعه، به معنی خروج از جامعه سنتی و ارزش‌های مربوط به آن است. به اعتقاد آن‌ها برای دستیابی به توسعه باید از مرحله سنتی خارج شد و به تجدید رسید. الگویی که مورد توجه افرادی چون لرنر، شرام و راجرز بود. اما امروزه مفهوم توسعه از دیدگاه بیشتر صاحب‌نظران، همه ابعاد زندگی بشر را در برمی‌گیرد. توسعه از نیازهای انسانی آغاز می‌شود تا به مسائل مربوط به زندگی معنوی انسان نیز برسد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۳۴). در تعریف توسعه نکاتی را باید مدنظر داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از اینکه؛ اولاً توسعه را مقوله‌ای ارزشی تلقی کرد، ثانیاً آن را جریانی چندبعدی و پیچیده دانست، ثالثاً به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه کرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴). از نظر مایکل تودارو توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به‌سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۷۷: ۳۴).

## توسعه اقتصادی:

توسعه اقتصادی اغلب اشتباهاً با رشد اقتصادی یکی شمرده می‌شود هم شامل رشد کمی اقتصاد است و در ضمن مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی در بطن خود دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۴). توسعه اقتصادی رشد و تعالی مستمر اقتصادی یک جامعه برای رسیدن به یک رفاه فردی و اجتماعی است. این دگرگونی تنها از طریق تحولاتی شکل می‌گیرد که از بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه حاصل آمده باشد (حکیمی نیا و صادق زاده، ۱۳۹۱). توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و

ریشه‌کنی فقر) و دوم، ایجاد اشتغال، که هردوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است درحالی‌که در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۵).

هرکدام از نظریه‌پردازان درباره توسعه‌نیافتگی هماهنگ استان‌های ایران، به عواملی اشاره کرده‌اند، که این عوامل به‌طور کلی به دودسته عوامل داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. موانع داخلی توسعه اقتصادی هماهنگ استان‌های کشور، عبارت‌اند از: الف- کمبود سرمایه‌گذاری؛ ب- توزیع نابرابر کالاها و خدمات؛ ج- رشد بی‌تناسب بخش خدمات؛ د- بیکاری (لهسایی زاده، ۱۳۸۲، ۵۷)

برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بر دو مبحث توسعه منطقه‌ای و عدم تعادل منطقه‌ای استوار است و این موضوعات از مبانی نظری مشترکی برخوردارند به‌گونه‌ای که مشکل عمده توسعه اقتصادی منطقه‌ای در عدم تعادل منطقه‌ای، تفسیر و تحلیل می‌شود با این وجود ممکن است این دو مقوله جدای از یکدیگر، طرح و ارائه شوند. با توجه به این‌که مبانی نظری توسعه اقتصادی منطقه‌ای و تفسیر عدم تعادل‌های منطقه‌ای، مبتنی بر منشأ اقتصادی یا جغرافیایی بوده است، عمدتاً نظریات برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی منطقه‌ای توسط اقتصاددانان یا جغرافیدانان مطرح شده و تکامل یافته است. وضعیت خاص جغرافیایی استان‌های مرزی و برخی شرایط اجتماعی - سیاسی دیگر در این استان‌ها، حکایت از وجود شکاف‌های عمیق میان این مناطق و دیگر مناطق کشور دارد. مسائل مربوط به توزیع ثروت، قدرت و منزلت در این مناطق جدی است. روند مرکزگرایی، منجر به بروز نوعی عدم تعادل شده است، به‌گونه‌ای که ما شاهد ارتقای سطح استانداردهای زندگی در استان‌های مرکزی و کاهش آن در مناطق مرزی هستیم. از حیث امنیتی، این پدیده منفی ارزیابی شده و می‌تواند واکنش‌هایی را به دنبال داشته باشد. (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۳۱). تقدم توسعه بر امنیت یک نگرش نسبتاً جدید است که محور این اعتقاد بر این نظریه استوار است که از طریق توسعه مناطق مرزی می‌توان به استقرار امنیت رسید. از این رو، اولویت اول به توسعه و اولویت دوم به امنیت داده می‌شود. در حقیقت، محور این دیدگاه بر این عقیده استوار است که توسعه‌نیافتگی عامل اصلی ناامنی است. بر این اساس برای تحقق امنیت در مناطق مرزی، ابتدا باید توسعه به آن مناطق وارد شود و سپس نتایج توسعه، در تحقق و استقرار امنیت کمک کند. کشورها و نظام‌های سیاسی معتقد به این دیدگاه، ویژگی‌های خاصی دارند که عبارت‌اند از: درجه توسعه‌یافتگی

بالاتری نسبت به کشور همسایه داشته و سطح درآمد در آن‌ها بالاتر از کشورهای همسایه می‌باشد. از آنجاکه مناطق مرزی آن‌ها در مجاورت کشورهای توسعه‌نیافته قرار دارند، نتایج توسعه‌نیافتگی به همراه ناامنی از طریق مرز کشور هم‌جوار وارد کشورشان می‌شود. دارا بودن توان بسط و گسترش توسعه به داخل کشور هم‌جوار برای ایجاد یک حاشیه توسعه‌ای - امنیتی برای کشور و مردم از خصوصیات دیگر این دولت‌ها می‌باشد. هانتینگتون درباره زمینه اثرات متقابل عدم وجود توسعه سیاسی و اقتصادی می‌گوید: «جای هیچ تردیدی نیست که میان خشونت و عقب‌افتادگی اقتصادی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. فقر بالای حال هرگونه حکومت و فقر عامل ناپایداری و ناستواری و بی‌ثباتی است و به‌هیچ‌وجه نمی‌گذارد رشد اقتصادی که در امر توسعه شدیداً موردنیاز است، در جامعه استقرار یابد» (حکیمی نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۱)

### روش پژوهش

انتخاب روش تحقیق، در واقع انتخاب مناسب‌ترین و بهترین راه رسیدن به هدف تحقیق است. همان‌گونه که بدون استفاده از مسیر و راه مناسب نمی‌توان به راحتی به مقصد رسید، بدون گزینش و استفاده از روش تحقیق مناسب نیز نمی‌توان مطابق اصول علمی به هدف نهائی پژوهش دست یافت. پژوهش حاضر، به روش توصیفی تحلیلی انجام شد و از جنبه ماهیت و هدف از نوع تحقیقات کاربردی است. در تحقیق حاضر، از روش کتابخانه‌ای و همچنین میدانی مشاهده در گردآوری اطلاعات استفاده شده است. به عبارت دیگر، با مراجعه به کتابخانه‌ها از مهم‌ترین منابع موجود درباره توسعه پایدار، مرز و سازمان‌دهی واحدهای سیاسی اقتصادی استفاده شده و به گردآوری اطلاعات درباره توسعه اقتصادی و امنیت در مرزهای ایران و افغانستان پرداخته و آنگاه به علت‌یابی چگونگی توسعه اقتصادی نامتوازن در این مناطق، ریشه‌یابی، علت‌یابی توجه شده.

### یافته‌های پژوهش

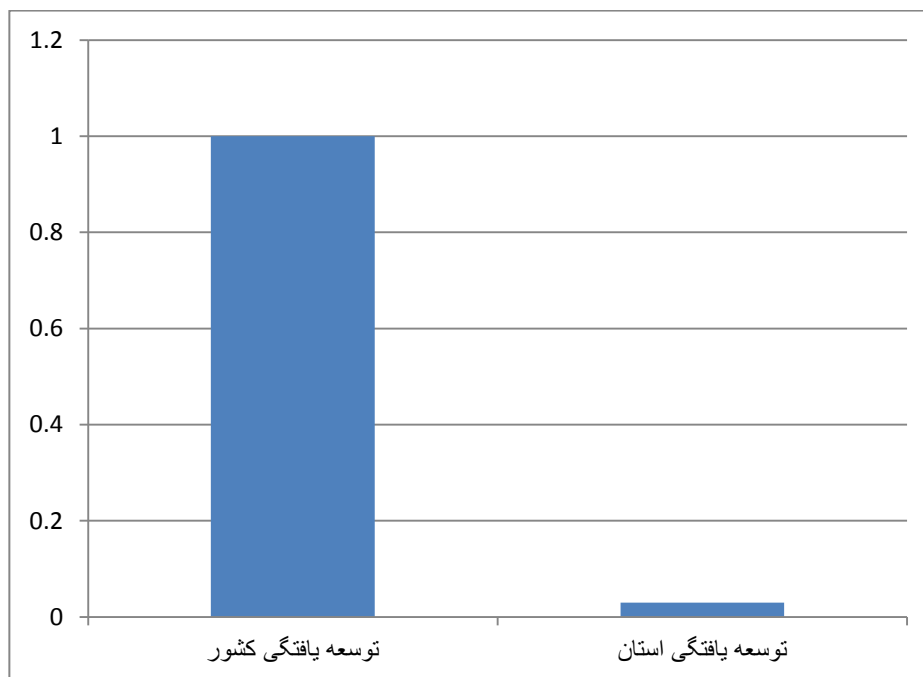
#### وضعیت توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان

نتایج درجه توسعه یافتگی استان‌ها در جدول زیر آورده شده. همان‌طور که دیده می‌شود استان‌های مرکزی کشور در مقایسه با بخش پیرامون از توسعه یافتگی بیشتری و درجه دسترسی بالاتر به منابع ملی برخوردارند. در این میان استان سیستان و بلوچستان درجه توسعه یافتگی ۱ را به خود اختصاص داده که بر اساس مدل تاکونومی در شکل (۱) نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح توسعه است.

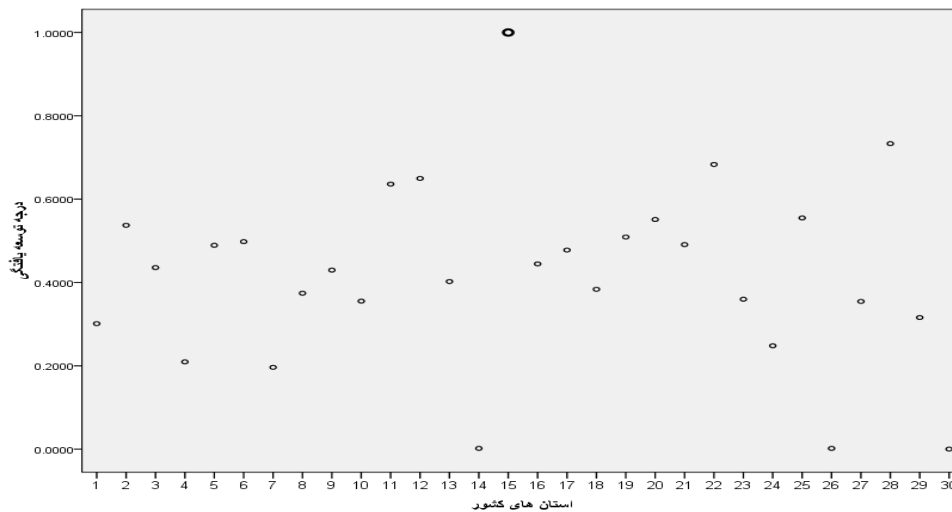
جدول ۱- وضعیت توسعه یافتگی استان‌های کشور

کد استان	نام استان	درجه توسعه یافتگی	کد استان	نام استان	درجه توسعه یافتگی
۱	آذربایجان شرقی	۰,۴۲۱	۱۷	فارس	۰,۴۴
۲	آذربایجان غربی	۰,۵۲۷	۱۸	قزوین	۰,۴۷
۳	اردبیل	۰,۴۳۵	۱۹	قم	۰,۳۸۳
۴	اصفهان	۰,۲۰۹	۲۰	کردستان	۰,۵۰۹
۵	البرز	۰,۱۹۴	۲۱	کرمان	۰,۵۵۱
۶	ایلام	۰,۴۸۹			
۷	بوشهر	۰,۴۹۷	۲۲	کرمانشاه	۰,۴۹۰
۸	تهران	۰,۱۹۶	۲۳	کهگیلویه و بویر احمد	۰,۶۸۳
۹	چهارمحال و بختیاری	۰,۲۴۳	۲۴	گلستان	۰,۳۵۹
۱۰	خراسان جنوبی	۰,۴۲۹	۲۵	گیلان	۰,۲۴۸
۱۱	خراسان رضوی	۰,۳۵۵	۲۶	لرستان	۰,۵۵۴
۱۲	خراسان شمالی	۰,۶۳۶	۲۷	مازندران	۰,۰۰۱
۱۳	خوزستان	۰,۴۳۲	۲۸	مرکزی	۰,۳۵۴
۱۴	زنجان	۰,۴۰۲	۲۹	هرمزگان	۰,۷۳۳
۱۵	سمنان	۰,۰۰۱	۳۰	همدان	۰,۳۱۵
۱۶	سیستان و بلوچستان	۰,۰۳	۳۱	یزد	۰,۰۰۱

منبع داده‌های خام: سالنامه آماری کشور و استان‌ها، سال ۱۳۹۷



شکل ۱- مقایسه درجه توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان و میانگین درجه توسعه یافتگی کشور



شکل ۲- مدل تاکونومی درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور (۱۵- استان سیستان و بلوچستان) این نابرابری اقتصادی بر دیگر تمایزات افزوده و زمینه‌ای است برای کاهش میزان امنیت در این استان. عدم توسعه اقتصادی متوازن میان مناطق مرزی موجب جدایی‌گزینی از سایر مناطق شده و کاهش امنیت را شامل می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۶) توسعه‌نیافتگی، حاشیه‌ای و دور بودن از مرکز، آمیخته بودن جمعیت شیعه و سنی، فعالیت‌های گروه‌های مسلح، مرزهای طولانی با شورهای پاکستان و افغانستان، رواج قاچاق سودآور، نارضایتی مسئولین محلی و حکومت مرکزی از جمله عواملی‌اند که در تضعیف امنیت استان س و ب مؤثرند.

### وضعیت شاخص امنیت اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان

تهدیدات اقتصادی یعنی فقر و نابرابری اقتصادی مهم‌ترین بستر تهدیدات امنیتی است. میان فقر و سوء رفتارهای اجتماعی ارتباط وجود دارد، مثلاً فقر از طریق عواملی چون خشم و سوءتغذیه با جرم ارتباط دارد؛ و به دلیل آثار فقر و سوءتغذیه بر هوش و بلوغ فکری و نیز میزان آگاهی، می‌توان رابطه معناداری بین فقر و جرم تصور کرد.

شاخص‌های مهم امنیت اقتصادی چگونگی توزیع درآمدهاست که به‌عنوان عامل مؤثر در ایجاد اختلاف سطح زندگی و شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بروز فقر موردتوجه است.

مهم‌ترین شاخص‌های توزیع درآمد، شاخص‌های نابرابری درآمدی است که عدم توزیع مناسب درآمد در یک جامعه را نشان می‌دهد... از نظر رفاه اقتصادی نیز استان‌های مرزی از سطح پایینی برخوردار هستند. نتایج وضعیت شاخص‌های امنیتی اقتصاد استان‌های کشور شامل مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری در جدول (۲) آورده شده.

جدول ۲- وضعیت امنیت اقتصادی استان‌های کشور

کد استان	نام استان	مشارکت اقتصادی	نرخ بیکاری	کد استان	نام استان	مشارکت اقتصادی	نرخ بیکاری
۱	آذربایجان شرقی	۴۰,۴	۱۰,۹	۱۷	فارس	۴۰,۲	۸,۹
۲	آذربایجان غربی	۴۲,۳	۱۴,۷	۱۸	قزوین	۴۱,۸	۱۱,۰
۳	اردبیل	۴۴,۳	۹,۳	۱۹	قم	۳۵,۲	۱۰,۸
۴	اصفهان	۴۳,۴	۱۳,۷	۲۰	کردستان	۴۳,۰	۱۴,۶
۵	البرز	۳۸,۸	۱۴,۷	۲۱	کرمان	۳۹,۳	۱۱,۴
۶	ایلام	۳۶,۱	۱۱,۲	۲۲	کرمانشاه	۴۳,۲	۱۸,۷
۷	بوشهر	۳۸,۳	۱۰,۵	۲۳	کهگیلویه و بویر احمد	۳۶,۶	۱۳,۳
۸	تهران	۳۹,۸	۱۲,۲	۲۴	گلستان	۳۸,۳	۹,۸
۹	چهارمحال و بختیاری	۴۰,۸	۱۷,۴	۲۵	گیلان	۴۴,۰	۱۱,۴
۱۰	خراسان جنوبی	۴۰,۱	۸,۵	۲۶	لرستان	۳۶,۸	۱۳,۵
۱۱	خراسان رضوی	۴۳,۱	۱۰,۷	۲۷	مازندران	۴۱,۴	۸,۵
۱۲	خراسان شمالی	۴۴,۹	۱۰,۴	۲۸	مرکزی	۳۴,۸	۸,۴
۱۳	خوزستان	۳۹,۶	۱۵,۷	۲۹	هرمزگان	۳۹,۷	۱۱,۲
۱۴	زنجان	۴۲,۶	۸,۵	۳۰	همدان	۴۱,۹	۸,۳
۱۵	سمنان	۳۷,۶	۷,۲	۳۱	یزد	۴۲,۰	۱۳,۹
۱۶	سیستان و بلوچستان	۳۳,۹	۱۶,۰				
	کل کشور	۴۰,۵	۱۲				

منبع: سالنامه آماری کشوری، ۱۳۹۷



مطابق با جدول (۲) استان سیستان و بلوچستان با بیشترین نرخ بیکاری (زن و مرد) و کمترین نرخ مشارکت اقتصادی در میان استان‌های کشور وضعیت نامناسبی در شاخص امنیت اقتصادی دارد. همچنین علیرغم اینکه استان سیستان و بلوچستان طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰، ۳،۳۷ درصد از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد اما تولید ناخالص استان در سال ۱۳۹۲ در حدود ۱۳۲۸۵ میلیارد تومان بوده است که فقط ۱،۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور در این سال بوده. میزان تولید سرانه استان نیز در سال ۱۳۹۲ حدود ۵ میلیون تومان بوده که از این نظر در رتبه آخر کشور قرار دارد. (شهرکی، حسن‌آبادی، ۱۳۹۷)

### وضعیت شاخص‌های کلیدی حوزه اقتصاد

وجود مرزهای آبی و خاکی گسترده، داشتن سابقه تاریخی در زمینه مبادلات و تجارت و قرار داشتن در مهم‌ترین مسیر تجاری دنیای قدیم (جاده ابریشم) و نیز مراودات قومی و فرهنگی مرزنشینان استان با کشورهای همسایه، سکونت ۵۱٪ از جمعیت استان در مناطق روستایی و وابستگی اقتصاد استان به کشاورزی و شیلات، دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی خارج از تنگه هرمز و امکان ارتباط با کشورهای شرق آسیا، شبه قاره هند، شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس و بازارهای آفریقا، وجود منطقه تجاری-صنعتی آزاد چابهار، داشتن ذخایر معدنی گسترده، داشتن پتانسیل بالای تولید انرژی‌های نو و پاک، داشتن پتانسیل تاریخی و طبیعی بالا برای جذب گردشگر (مناطق چمن دریا بزرگ عمان، کوه تفتان، مناطق تاریخی مثل شهر سوخته، کوه خواجه، مناظر هامون و هیرمند و...) از پتانسیل‌های منحصر به فرد این استان در حوزه اقتصاد است؛ اما مجموع آمار موجود حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی استان، به‌رغم پتانسیل‌های اقتصادی آن، در شرایط مطلوبی قرار ندارد.

جدول ۴- وضعیت شاخص‌های حوزه اقتصاد استان سیستان و بلوچستان

وضعیت شاخص‌های کلیدی حوزه اقتصاد استان سیستان و بلوچستان	
رتبه استان در بخش‌های مختلف	<ul style="list-style-type: none"> <li>• رتبه ۳۱ در تولید سرانه بدون نفت، ۹۲</li> <li>• رتبه ۱۹ در محصول ناخالص بدون نفت، ۹۲</li> <li>• سهم در تولید ناخالص داخلی کشور ۱/۵۱ درصد</li> <li>• نسبت جمعیت استان به کشور ۳/۳۳ درصد</li> <li>• رتبه ۱۵ در ارزش افزوده بخش کشاورزی ۹۲</li> <li>• رتبه ۲۸ در ارزش افزوده بخش صنعت و معدن</li> </ul>

۹۲	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• رتبه ۱۹ در اشتغال بخش کشاورزی ۹۴</li> <li>• رتبه ۲۰ در اشتغال بخش صنعت و معدن ۹۴</li> <li>• رتبه ۵ در اشتغال بخش خدمات ۹۴</li> </ul>	
رتبه آخر در مشارکت اقتصادی با ۲۹/۹ درصد در سال ۹۴ میانگین کشوری ۳۸/۲	<b>نرخ مشارکت اقتصادی</b>
۲۴ شهرک و ناحیه صنعتی ۱۲ شهرک و ۱۵ ناحیه صنعتی ۴۳۶۳ هکتار کل اراضی شهرک‌ها و نواحی، ۵۵۷ هکتار مساحت اراضی صنعتی ۱۲۰۱ واحد صنعتی به بهره‌برداری رسیده با اشتغال ۱۲۰۳۸ نفر	<b>تعداد شهرک‌های و نواحی صنعتی</b>

منبع: سالنامه آماری کشوری، سال ۱۳۹۷

با وجود تلاش‌های صورت گرفته در سال‌های بعد از انقلاب برای پیشرفت این خطه؛ لیکن همچنان موضوعاتی همچون فقر، بی‌سوادی، قاچاق مواد مخدر، شرارت و ... با نام استان عجین است. چالش‌های عمده استان سیستان و بلوچستان را می‌توان در مؤلفه‌های فعالیت اشراق و قاچاقچیان مواد مخدر در داخل و آن‌سوی مرزها، فعالیت گروهک‌های معاند حضور اتباع بیگانه غیرمجاز و تبعات ناشی از این حضور، قاچاق کالا، حمل و خرید و فروش سلاح‌های جنگی غیرمجاز، مسائل مرتبط با فرق مذهبی و اختلافات موجود، سهولت در تردد مرزی و فرار متهمان به آن‌سوی مرز، گستردگی حوزه استحفاظی و عدم اشراف کامل پلیس بر مناطق صعب‌الوصول، فقر، بیکاری گسترده ناشی از نبود زیرساخت‌های اقتصادی و تأثیر خشک‌سالی‌های پی‌درپی، فرهنگ خاص مردم و شرایط زندگی آنان و درنهایت وقوع جرائم خشن که ناشی از عوامل ذکر شده هست عنوان کرد. برای مقابله با این پدیده، مهم‌ترین اقدامات عملی، محسوس و بارز در حال اجرا، انسداد نوار مرز و توجه به زیرساخت‌های اقتصادی در استان هست؛ لیکن با عنایت به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه، موضع اشتغال‌زایی باید در اولویت اول قرار گیرد؛ لذا اشتغال‌زایی و انسداد نوار مرز به‌عنوان دو بال برای فرشته امنیت در استان تلقی می‌گردد. از جمله دلایل اساسی فقدان توسعه و کمبود احساس امنیت در این منطقه را که به‌نوعی ریشه ناامنی‌ها و شرارت‌های قومی و سیاسی در استان سیستان و بلوچستان هست می‌توان از هم‌گسیختگی قوم بلوچ در سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان در گذشته دور توسط انگلیسی‌ها و نیز بی‌توجهی رژیم گذشته به وضعیت استان و در نتیجه فقر فرهنگی دانست. در این خصوص نباید از شیطنت‌های آمریکا در بعد

توسعه‌طلبی به‌ویژه سیاست‌های خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص تلاش‌های اخیر برای ایجاد جنگ قومی و مذهبی و ایجاد زمینه بروز ناامنی در کشور غافل شد.

### نتیجه‌گیری

مسئله بیکاری یکی از مسائل عمده و چالش‌برانگیز استان سیستان و بلوچستان است. نرخ بیکاری در استان طبق آمار رسمی ۱۱٪ و طبق آمار غیررسمی به بیش از ۳۰٪ می‌رسد؛ اما باید به این نکته توجه داشت که بیکاری معلول شرایط وخیم استان در هر حوزه اقتصادی است و رفع آن نیز نیازمند توجه جامع به این حوزه است. این معضلات، در کنار دیگر چالش اصلی استان یعنی فاصله جغرافیایی طولانی استان از مرکز و همچنین بین شهرستان‌های استان، باعث شده ارتباطات بین مردم و هویت‌های گوناگون کمتر صورت گیرد. طولانی بودن فاصله جغرافیایی بین شهرستان‌های استان و همچنین نبود زیرساخت‌های مناسب درون و برون‌استانی موجب شده تا ارتباط هویت‌های مختلف مردم با یکدیگر کمتر شده و همین مسئله اختلافات و شکاف‌ها را بیشتر کند. این فاصله طولانی به تعبیری باعث شده است که کل استان در حاشیه استان‌های مرکزی قرار بگیرد. باید توجه داشت که حل مسائل استان در هر حوزه اقتصاد، نیاز به اتخاذ تدابیر جدی از سوی مدیریت مرکزی کشور در مورد چالش‌های سطح کلان استان دارد؛ اما باید توجه داشت در بین مسائل بررسی‌شده، مهم‌ترین فرصت-مسئله استان، عدم استفاده بهینه از مرز برای تجارت و ترانزیت کالا است و به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان این فرصت-مسئله را در مورد این استان نادیده گرفت. در استان سیستان و بلوچستان، با توجه به وجود ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان و همچنین محرومیت استان، هویت و پیشه تاریخی تجارت و وضعیت امنیت استان که به‌شدت به وضعیت مرزها وابسته است، فرصت-مسئله مرز باید در اولویت قرار بگیرد. استفاده بهینه از ظرفیت مرزی بودن این استان در ایجاد روابط مناسب اقتصادی با کشورهای پاکستان و افغانستان و استفاده از این منطقه به‌صورت پل ارتباطی با سایر نقاط ایران، محرومیت‌زدایی و گسترش فرهنگ توسعه اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان، پرهیز از نگرش امنیتی نسبت به آن، افزایش مشارکت مردم سیستان و بلوچستان در تعیین سرنوشت خود و هویت بخشی به مردم این استان، می‌تواند از راه‌کارهای مؤثر در پیشبرد توسعه اقتصادی در این استان نام برد؛ و زمینه افزایش امنیت را در این استان فراهم نمود. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های سعادت‌ی (۱۳۹۱)، حیدری (۱۳۹۴)، اطاعت و موسوی (۱۳۹۰) مشابه است.

اما آنچه بیش از همه در رابطه با امنیت این منطقه، باید مورد توجه قرار گیرد، میزان برخورداری از توسعه و منابع ملی و به طور کلی توسعه یافتگی این استان در مقایسه با دیگر نواحی و بخصوص بخش مرکزی است. در تحقیقات اخیر که در رابطه با درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور صورت گرفته است و پژوهش حاضر، بر اساس نتایج حاصله، استان سیستان و بلوچستان در میان ۳۱ استان کشور در پایین‌ترین سطح توسعه یافتگی قرار می‌گیرد.

#### پیشنهادها:

- ۱- خارج نمودن استان از بن بست از طریق راه‌های مواصلاتی، توسعه اقتصادی و...
- ۲- اجرا در آوردن طرح‌های اشتغال‌زایی در سطح استان از طریق احداث کارخانه‌ها، شرکت‌ها و در سطح استان
- ۳- جایگزین کردن شیوه‌های مدیریت علمی در سطح استان به جای شیوه‌های مدیریت سنتی.
- ۴- اعطای تسهیلات و معافیت‌های لازم و حمایت‌های مالیاتی و نیز مؤثر بانکی برای تشویق سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت و معدن به خصوص در شهرهایی که نرخ بیکاری در آن بالا است. به ویژه در صنایع صادراتی و پیشرفته به صورتی مؤثر.
- ۵- روی آوردن به اقدامات فرهنگی در کنار فعالیت‌ها و اقدامات عملی و رفع ذهنیت‌های منفی

#### منابع

- فیروزآبادی، سید حسن، ۱۳۹۱. امنیت پایدار. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، بهار ۱۳۹۱.
- مؤمنی، اسکندر. ۱۳۹۵. مبانی و اصول امنیت عمومی، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- زمانی، علی‌اکبر، (۱۳۹۴)، مدل سنجش شاخص‌های امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- احمدی‌مقدم، اسماعیل، ۱۳۹۹. فرهنگ راهبردی مفاهیم و اصطلاحات انتظامی و امنیتی. مرکز مطالعات ناجا-معاونت دانش و پژوهش، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۹.
- هندیانی، عبدالله، (۱۳۹۱)، شناخت تهدیدات علیه امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران ناشی از جرائم سازمان‌یافته. رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی دانشگاه عالی دفاع ملی
- بوزان، باری، (۱۳۹۷)، مردم، دولت‌ها و هراس، چاپ پنجم؛ تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

شایگان، فریبا، (۱۳۹۵)، امنیت اجتماعی با بهره‌مندی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)، چاپ اول؛ تهران، پژوهشگاه علوم انتظامی ناجا

ماندد، رابرت (۱۳۷۷) چهره متغیر امنیت ملی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی.

درایسدل، آلیسدر. بلیک، اچ (۱۳۷۴)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، جلد‌های اول و دوم، تهران، سازمان حوزه‌ها مدارس علمیه خارج از کشور.

احمدی پور، زهرا؛ سید علی علوی؛ محمد رضا هیودی (۱۳۹۲)، تاثیر ویژگی‌های قومی در فرایند مشارکت سیاسی کشور، فصلنامه جغرافیا ف سال یازدهم، شماره ۳۶ ل ص-۱۸۱-۲۰۰

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت، تهران

رضایی، ایمان؛ کشور دوست، علیرضا، (۱۳۹۲)، نگاهی بر تحولات ژئوپلیتیکی مرزهای شمالی ایران ف فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۴۲

سلطانی، مسعود؛ سادات هاشمی، صدیقه (۱۳۹۲)، بررسی نقش استعمار در تعیین مرزهای شرقی ایران (مورد مطالعه مرز ایران و پاکستان امروز)، فصلنامه علوم و فنون مرزی، شماره ۴

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۷)؛ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات.

ملک رئیسی، حسین، (۱۳۸۱) سیستان و بلوچستان مدیریت و توانهای محیطی، مجله رشد آموزش جغرافیا، دوره هفدهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۱

قوام ملکی حمیدرضا، (۱۳۸۹)، محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی فرهنگی نواحی مرزی، دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی.

ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴) توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران تهران: نشر نی

تودارو، مایکل (۱۳۷۷) توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلامی فرجادی، تهران: مؤسسه عادی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه

حکیمی نیا، بهزاد؛ صاد زاده تبریزی، محبوبه (۱۳۹۱) مبانی نظری توسعه و توسعه پایدار، اصفهان: نشر کنکاش، چاپ اول

لهسایی زاده، عبدا علی (۱۳۸۳) جامعه شناسی توسعه، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم

عنبری، موسی (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمتمركز تحقیق و توسعه علوم انسانی  
حکیمی نیا، بهزاد، نسریگ قلانی، سید محسنگ خلیفه سلطانی (۱۳۹۰) بررسی جامعه‌شناختی شاخص‌های کیفی توسعه انسانی کشورهای مسلمان با درآمد نفتی و غیر نفتی با تاکید بر جایگاه ایران، فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال پنجم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۹۰

مشکینی ف ابوالفضل؛ امیرحاجیلو، الهام؛ زنگانه، ابوالفضل (۱۳۹۶)، تبیین نابرابری در توسعه صنعت گردشگری با نگاهی به ایران، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، زمستان ۱۳۹۶ ف ص ۷۶۹-۷۸۹

شهرکی ف محمد رضا؛ عباسی حسن آبادی، نسترن (۱۳۹۷)، رتبه بندی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان براساس شاخص‌های بهداشتی و درمانی با روش تاپسیس، مجله پیراپزشکی، دوره ۱۲، شماره ۶ ف بهمن و اسفند ۱۳۹۷

حیدری، صفورا (۱۳۹۴)، بررسی رابطه متقابل امنیت و توسعه در مناطق مرزیمطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان‌نپایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند. تابستان ۱۳۹۴  
سعادت‌ی جعفر آبادی، حسن، (۱۳۹۱)، بررسی نقش و کارکرد اقتصادی مرز استان خراسان رضوی با افغانستان و تاثیر آن بر امنیت مرزی استان، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۱، دوره اول

اطاعت، جواد؛ موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۰)، رابطه متقابل امنیت ناحیه ای و توسعه یافتگی فضاهایی سیاسی با تاکید بر سیستان و بلوچستان، نشریه ژئوپلیتیک، دوره ۷، شماره ۱، از ص ۷۰-۸۷

Abatudu, M. ۲۰۰۱. "Reflections on Early ۲۱st Century Africa'. In: Adesida O. and Oteh. Eds. Africa Voices and Africa Visions.ed. Upsala: The Nordsic African Institute.

Jolly R. and D. BasuRay. ۲۰۰۷. Human Security: National Perspectives and Global Agendas. Journal of International Development Vol. ۱۹(۴)۴۵۷-۴۷۲ ۱.

Hampson, F. O. (۲۰۰۲). A concept in need of a global policy response. Security

Donaghy, G. (۲۰۰۳). Human security and Canadian foreign policy ۱۹۹۶-۲۰۰۰, *Canadian Foreign Policy*, ۱۰(۲), ۳۹-۵۷.

McArthur, S. (۲۰۰۷), *Arrested Development? Critical Perspectives on the Merging of Security and Development in Canadian and Western Foreign Policy*; Dalhousie University Halifax, Nova Scotia, Canada.

Wiafe-Amoako, Francis. (۲۰۱۰), *HUMAN SECURITY AND CONFLICT MANAGEMENT: Post-Conflict Reconstruction in Sierra Leone ۲۰۰۲ to ۲۰۰۹*, Doctor of African Studies and Research, HOWARD University

Oyoo, Edwin M. (۲۰۱۰), *Human Security and Environmental Sustainability: The Impact of Environmental Factors on Socio-Economic Systems in the Horn of Africa*; HOWARD UNIVERSITY, Washington DC.

UNDP (United Nations Development Program). ۱۹۹۴. *Human Development Report* New York, Oxford University Press

CHS (U.N Commission on Human Security). (۲۰۰۳), *Human Security Now: Final Report, Protecting and Empowering People*. New York.

Akokpari, J. ۲۰۰۷. "The Political Economy of Human Insecurity in Sub-Saharan Africa". Institute of Developing Economies, Japan External Trade Organization. Visiting Research Series No.۴۳۱.